DOI:

سرمقاله

راهبرد کارآمدی میراث در برنامه‌های توسعه یکپارچه

میراث فرهنگی به‌عنوان یکی از عناصر هویت‌ساز و هویت‌بخش جوامع شناخته می‌شود. در طول قرن گذشته و دوران معاصر، نظریه‌پردازی درباره میراث فرهنگی دچار تحولات چشمگیری شده و الزامات و ابزارهای حفاظت نیز بر اساس این تغییرات دگرگون شده‌اند. در گذشته، میراث فرهنگی غالباً به جنبه‌های فیزیکی یا کالبدی خلاصه می‌شد (برای نمونه یک بنا یا اثر معماری)، اما امروزه ابعاد غیرملموس آن همچون سنت‌ها، آیین‌ها، معناها و بافت‌های اجتماعی نیز به رسمیت شناخته شده‌اند. در طول عمر نظریه‌های مرتبط با حفاظت میراث فرهنگی، چه در بُعد ملموس و چه در بُعد غیرملموس، همواره چالش‌های جدی وجود داشته است. در مقاطعی، میراث فرهنگی به‌عنوان عاملی بازدارنده در مسیر توسعه‌های شهری و فنی تلقی می‌شد، و همین دیدگاه‌ها گاه آن را در معرض خطر قرار می‌داد. جریان‌ها و چالش‌های مرتبط را می‌توان در دو دسته‌ی چالش‌های سنتی و چالش‌های نوظهور بررسی کرد. از جمله چالش‌های سنتی می‌توان به تخریب ناشی از سودجویی، جنگ و خشونت، بلایای طبیعی همچون سیل و آتش‌سوزی و نیز مدیریت ناکارآمد اشاره کرد. در مواردی، سودجویی برخی افراد که با هدف فروش بخش‌هایی از آثار یا تزئینات تاریخی اقدام می‌کردند، موجب تخریب آثار می‌شد. همچنین توسعه‌های شهری بدون ضابطه و در مواردی جنگ‌ها و حملات نظامی، به ویرانی میراث فرهنگی منجر شده است. مسجد جامع اصفهان، قلعه شوش و خانه تاریخی صدقیانی تبریز نمونه‌هایی از آثاری‌اند که در جریان جنگ ایران و عراق آسیب جدی دیدند. البته این پدیده جهانی است و محدود به ایران نمی‌شود. اما در خصوص چالش‌های نوظهور باید به فشار روزافزونی که توسعه شهری بر آثار تاریخی و فرهنگی وارد می‌کند اشاره کرد: گسترش شهرها و ساخت‌وسازهایی که بدون توجه به بافت تاریخی انجام می‌شوند، تغییرات اقلیمی و محیطی شامل افزایش خشکسالی، سیلاب‌ها، فرسایش و تغییر سطح آب دریاها، همگی میراث فرهنگی را به مخاطره انداخته‌اند. افزایش حضور گردشگران، تردد خودروهای سنگین، و بهره‌برداری اقتصادی بیش از ظرفیت بناهای تاریخی نیز موجب فشارهای فیزیکی و معنایی بر این آثار شده است؛ آثاری که اساساً برای استفاده محدود طراحی شده بودند. افزون بر این، مدیریت غیرتخصصی و دخالت‌های سیاسی با اهداف غیرفرهنگی از دیگر تهدیداتی‌اند که میراث فرهنگی را در معرض تخریب قرار داده‌اند.

در برابر این تهدیدات، باید راهکارهایی در سه سطح آموزشی، سیاست‌گذاری و اجرایی به‌صورت توأمان در نظر گرفته شود. مهم‌ترین پیشنهادها عبارت‌اند از:

۱. ارائه بسته‌های آموزشی برای مدیریت و نگهداری متناسب با خطرات جدید

طراحی و اجرای دوره‌ها، کارگاه‌ها و دستورالعمل‌هایی که مدیران بناها، مسئولان شهری، جامعه محلی و بهره‌برداران بافت‌ها و بناهای تاریخی را با خطرات نوین آشنا کند. این اقدام، سطح آگاهی تخصصی را افزایش داده و موجب کاهش آسیب‌پذیری آثار می‌شود.

۲. آموزش همگانی و بهره‌گیری از ظرفیت سرمایه‌های اجتماعی

مردم محلی، انجمن‌ها و گروه‌های داوطلب می‌توانند در حفاظت نقش مؤثری داشته باشند. با افزایش حساسیت جامعه نسبت به میراث فرهنگی، احتمال تخریب کاهش یافته و مشارکت در نگهداری بیشتر می‌شود. این سیاست را می‌توان در قالب برنامه‌ی «میراث فرهنگی و حمایت اجتماعی» نهادینه کرد.

۳. مدیریت متناسب با ظرفیت بناها و آثار تاریخی

هر بنای تاریخی ظرفیت مشخصی برای بهره‌برداری دارد. استفاده بیش از ظرفیت، ورود خودروهای سنگین یا تغییر کاربری ناگهانی می‌تواند به تخریب تدریجی اثر منجر شود. مدیریت علمی باید با در نظر گرفتن نیازها، محدودیت‌ها و ویژگی‌های هر بنا انجام گیرد.

[Downloaded from journal.maktabeahya.com on 2026-11-09]

۴. تعریف مأموریت ویژه برای شهرهای تاریخی و جلوگیری از توسعه بی‌رویه
شهرهای تاریخی باید دارای سیاست‌ها و مرزهای روشن فرهنگی و کالبدی باشند تا توسعه پایدارشان با حفظ بافت تاریخی و هویت شهری هماهنگ باشد. اعمال برنامه‌های صنعتی و اقتصادی سنگین در شهرهای دارای ظرفیت فرهنگی و تاریخی بالا، آسیب‌زا است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رقابت ناسالم میان مدیران شهری در این زمینه، زیست‌پذیری شهرهای تاریخی ایران را به‌شدت تهدید کرده است.

۵. یکپارچه‌سازی حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی
میراث طبیعی (مناظر، طبیعت بکر) و میراث فرهنگی (بناها، آیین‌ها) به‌شدت به یکدیگر وابسته‌اند. آسیب به محیط زیست، تهدیدی مستقیم برای میراث فرهنگی است. بنابراین، باید برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای بر اساس نگرشی یکپارچه و هماهنگ میان عوامل تاریخی، فرهنگی و طبیعی صورت گیرد تا زیست‌پذیری شهرها حفظ شود.

۶. پیش‌بینی مکان‌های امن برای نگهداری آثار منقول در زمان بحران
وجود برنامه اضطراری برای حفاظت موقت یا جابجایی آثار در شرایط بحرانی همچون سیل، زلزله یا جنگ ضروری است. منشورهای بین‌المللی حفاظت میراث نیز بر لزوم تدوین این برنامه‌ها تأکید کرده‌اند.

۷. بازتعریف بافت‌های تاریخی به‌عنوان پدیده‌های هویت‌ساز آینده
بافت‌های تاریخی تنها یادگار گذشته نیستند، بلکه عامل انسجام اجتماعی و هویت فرهنگی در آینده‌اند. از بین رفتن این بافت‌ها، نوعی گسست هویتی ایجاد می‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند که حفظ و احیای بافت‌های تاریخی، سبب تقویت احساس تعلق، همبستگی اجتماعی و پویایی فرهنگی در جوامع شهری می‌شود.
میراث فرهنگی، چه در بُعد ملموس و چه در بُعد ناملموس، بخش جدایی‌ناپذیر از هویت جمعی هر جامعه است. با وجود چالش‌های سنتی و نوظهور، می‌توان با رویکردی علمی، مشارکتی و یکپارچه از این سرمایه‌های تاریخی محافظت کرد. تداوم حیات فرهنگی و هویتی جوامع، در گرو درک عمیق ارزش‌های میراث و مدیریت آگاهانهٔ آن است.



تصویر ۱. مسجد جامع حلب در سوریه. مأخذ: آرشیو دکتر احد نژادابراهیمی.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]



تصویر ۲. مسجد جامع اصفهان در دورهٔ جنگ ایران و عراق. مأخذ: آرشیو دکتر احد نژادابراهیمی.

احد نژادابراهیمی
استاد دانشکده معماری و شهرسازی
دانشگاه هنر اسلامی تبریز
Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
نژادابراهیمی، احد. (۱۴۰۴). راهبرد کارآمدی میراث در برنامه‌های توسعه یکپارچه. مکتب *احیاء*، ۳(۷)، ۵-۷.

DOI:
URL: https://jors-sj.com/article-1-102-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-09]